

## (پیامدهای ناسزاگویی از منظر آیات و روایات)

### الهام شمس الدین<sup>۱</sup>

#### چکیده

فحش در عبارت یعنی انسان امروز امور بد و زشت را به واسطه‌ی کلمات صریح و در بعضی موارد رکیک و زننده بیان نماید و در روایات ضمن نکوهش ناسزاگوئی، از آن نهی شده است و منشاء آن را می‌توان پستی و خباثت نفس دانست. ناسزاگویی یکی از خصایص زشت افراد ناتوان و بی منطق است که علت‌های زیادی دارد، اما هدف ما از این مقاله این است که افراد با پیامدهای ناسزاگویی آشنا شوند تا از آن دوری کنند. و بدانند با آگاهی نداشتن از این پیامدها به دنیا و آخرت خود ضربه می‌زنند و باعث می‌شود نزد دیگران از احترام کمتری برخوردار شوند و آدمی را بی اعتبار می‌کنند. در این مقاله به برخی از پیامدهای ناسزاگوئی در آیات و روایات اشاره شده است. روش به کارگیری در این مقاله روش تفسیری می‌باشد. دستاوردهای حاصل از این مقاله برخی از پیامدهای ناسزاگویی در آیات و روایات، علت‌های عمدۀ ناسزاگوئی، بارزترین مصداق زبانی و درمان بد زبانی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: پیامد، فاحش، مصدق، ناسزا.

---

<sup>۱</sup>- طلبه سطح ۲، فاطمیه بردسیر، shamsadini1400@gmail.com

## مقدمه:

در میان برخی از طبقات و اقشار اجتماعی، فحش و ناسزاگوئی به عنوان یک فرهنگ درآمده که یکی از آفات زبان است که به معنای گفتار زشت نسبت به دیگران است و گاه اشخاص حتی در یک جمله کوتاه نمی توانند از فحش و ناسزا اجتناب کنند؛ گویی ناسزاگوئی به عنوان یک امر ارزشی تلقی شده و اگر بخواهد خودمانی سخن بگویند از فحش و ناسزا باید استفاده کنند.

پیشینه تاریخی ناسزاگوئی به زمان های قبل بر می گردد و از دیرباز در میان طبقه های گونان اجتماع ایران معمول بوده است.

یکی از مشکلات جامعه ما این است که این فرهنگ تنها میان اراذل و او باش جامعه رواج ندارد بلکه در میان برخی از مذهبی ها هم شایع است. این رویه بسیار خطرناک است اگر ادامه پیدا کند جامعه را به سقوط و تباہی اخلاقی می کشاند.

بنابراین ضرورت ایجاد کرد به پیامدهای ناسزاگوئی با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار گیرد تا افراد به پیامدهای آن توجه داشته باشند. گاهی انسان با خود فکر می کند که آیا ناسزاگوئی پیامدی هم دارد؟ وقتی به آنها پی ببرد از این عمل زشت دوری می کند. هدف از این مقاله آشنایی با پیامدهای ناسزاگوئی، علت ها و راه درمان ناسزاگوئی می باشد.

## **مفهوم شناسی:**

پیامد یعنی آنچه که در پی چیزی یا کاری آید.<sup>۱</sup>

فاحش یعنی زشت و قبیح، آشکار، از حد درگذشته.<sup>۲</sup>

مصدق به معنی دلیل راستی سخن، چیزی که دلیل راستی باشد و آنچه که به منطبق به امر برمی‌گردد.<sup>۳</sup>

ناسزا یعنی نالائق؛ یا عبارات و الفاظی که برازنده و در خور نباشد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup>- حسینی دشتی، دایره المعارف جامع اسلامی، ص ۴۰۹.

<sup>۲</sup>- همان، ص ۶۶۳.

<sup>۳</sup>- دهخدا، لغت نامه.

<sup>۴</sup> - <http://vajehyab.com>

## ۱- پیامدهای ناسزاگویی از منظر آیات و روایات

یکی از کارهای بسیار مهم، حفظ ادب اسلامی در سخن گفتن است که آدمی باید آن را رعایت کند و از فحش و ناسزاگویی اجتناب کند. در برخی از روایات است که گفتن و نقل فحشی که دیگران گفته‌اند به معنای آن است که گویی خودش آن را انجام داده است. از نظر قرآن و دین اسلام حرام است. پس کسانی که در در جراید یا دیگر رسانه‌های عمومی به نشر و انتشار و ترویج فحشا می‌پردازند در حقیقت خود گوینده آن فحش هستند و آثار تبعاتی که برای فحش است، گریبان‌گیر آنان نیز خواهد شد.

امیرmomنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «آن که سخن زشتی بشنود و بازگوییش کند مانند کسی است که آن را گفته است».<sup>۱</sup> ناسزاگوئی پیامدهای زیادی دار که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

---

<sup>۱</sup>- لایقی، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷.

## ۱- دشمنی و عداوت:

یکی از آثار نابهنجار کلامی و ناسزاگویی دشنام، عداوت و دشمنی است. کسی که دشنام می‌دهد و ناسزا می‌گوید برای خودش دشمن می‌خرد و ارتباط‌های اجتماعی را به هم می‌ریزد و با این رشت‌گویی، خودش عناد را دامن می‌زنند و اجازه نمی‌دهد تا جامعه به سمت همزیستی و تعاون و همکاری کشیده شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «به مردم ناسزا نگویید که با این کار در میان آنها دشمن پیدا می‌کنید».¹

## ۲- بازگشت دشنام به شخص:

مؤمن نباید هرگز به دیگران و حتی به جانوران و کوه‌ها، باد، طوفان، سیل، زلزله و غیره دشنام دهد. زیرا این‌ها از آیات الهی است. دشنام‌گویی نسبت به هرکس و هرچیز نادرست است که باید از آن اجتناب کرد. کسی که به موجودات الهی دشنام دهد در حقیقت به گناه مرتکب می‌شود. البته این دشنام به آنها نمی‌رسد، بلکه ضرر شنخست به خود شخصی که دشنام می‌دهد بر می‌گردد.² لذا هر انسان باید آگاه باشد و زبان خود را نگه دارد.

## ۳- نابودی برکت:

یکی از پیامدهای فحش، نابودی و کاهش برکت رزق و روزی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر کس به برادر مسلمانش ناسزا بگوید خداوند برکت روزی را از او می‌گیرد و او را به خود واگذار شده و زندگی‌اش را فاسد می‌کند.³ اگر خدا شخصی را به خودش واگذارد دیگر روی صلاح به خود نخواهد دید. خدا خیر و برکت را از زندگی‌اش برمی‌دارد و این همان فساد معیشت است.⁴ کسی که به دیگری فحش می‌دهد نه تنها چیزی عایدش نمی‌شود بلکه دنیا و آخرت خود را تباہ می‌کند. در واقع فردی که به دیگری فحش می‌دهد به اعصاب خود هم لطمeh وارد می‌کند. اگر انسان هوشیار باشد با این رفتار ناپسند به خود ظلم می‌کند.

¹- محمدبن یعقوب کلیتی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۰.

²- قمی، علل شرایع، ص ۵۷۷.

³- کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۷.

⁴- مجتبی تهرانی، اخلاق الهی، ج ۴، ص ۲۷۱.

## چند نکته:

پیامبر(ص) فرمود: «کسی که به پدر و مادرش دشنام بدهد ملعون و دور از رحمت الهی است از حضرت سوال شد، چگونه انسان به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: شخص به پدر دیگری فحش می دهد او هم پدر او را دشنام می گوید<sup>۱</sup> و در جای دیگر از حضرت سوال می شود آیا کسی پدر و مادر خود را دشنام می دهد؟ فرمود: «آری انسان پدر و مادر دیگران را دشنام می دهد و دیگری هم در مقام پاسخگویی به پدر و مادر او دشنام می دهد.<sup>۲</sup>

دشنام دادن باعث کینه توزی و دشمنی می شود. شخصی از قبیله بنی تمیم به خدمت پیامبر رسید و عرض کرد مرا موعظه کنید. در بین مواعظ حضرت این جمله بود: به مردم فحش مده که باعث دشمنی آن ها می شود.

یکی از بزرگترین تعالیم اخلاقی اسلام محترم شمردن مقدسات جامعه است. هر فردی وقتی برای چیزی قداست خاصی قایل شد به آن احترام می گذارد و از حریم آن دفاع می کند و بهیج وجه راضی نمی شود که دیگری به مقدسات او اهانت کند و آن ها را به باد فحش بگیرد و کوچکترین توهینی به مقدسات او (هر چند پوچ و خرافی باشد) باعث می شود که او هم بخاطر تعصب جاهلی خود متقابلا به مقدسات مومنین فحش و ناسزا بگوید و به ساحت قدس الهی اهانت کند.

قرآن برای حفظ مقدسات دینی از نیش زبان و گزند مشرکان، مومنان را از دشنام دادن به بتها بشدت منع می کند و می فرماید: نیاید شما مومنان به بتنهای آنان دشنام بدهید زیرا عکس العمل آنان نیز این خواهد بود که از روی جهالت و لجاجت معبد حقيقی و پروردگار شما را دشنام دهند.<sup>۳</sup>.

امام صادق- عليه السلام- فرمود: «مراد از دشنام به خدا دشنام به اولیاء خدا است» زیرا هر کس یکی از اولیاء خدا را دشنام دهد خدا را دشنام داده است که در نکته اول به آن اشاره شد.

<sup>۱</sup>- کاشانی، محقق البیضا، ج ۵، ص ۲۱۸

<sup>۲</sup>- همان، ج ۳، ص ۳۷۷

<sup>۳</sup>- انعام، ۱۰۸.

مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) سوال می کند که معنی کلام پیامبر (ص) چیست که فرمود: «شُرُكَ ازْ حَرْكَتِ مُورَّجَهِ بِرِ روَى يَكَ سَنَگَ صَافَ درْ شَبَّ تَارِيَكَ مُخْفَى تَرَ است؟!» امام فرمود: «مُومَنَانَ بِهِ بَتَّهَائِي مُشَرَّكَانَ دَشَنَامَ مَى دَهَنَدَ وَ درْ نَتْيَيْجَهِ مُشَرَّكَانَ هَمَ بِهِ مُعبُودَ مُومَنَانَ نَاسِزاَ مَى گُوينَدَ پَسَ خَدَاؤَنَدَ ازْ دَشَنَامَ بِهِ بَتَّهَائِي فَرَمَودَهِ تَا كَافَرَانَ مُعبُودَ مُومَنَانَ رَا دَشَنَامَ نَدَهَنَدَ پَسَ مُومَنَانَ بِهِ وَاسْطَهِ دَشَنَامَ بِهِ بَتَّهَائِي، مُشَرَّكَ مَى شَوَنَدَ درْ حَالِيَّكَهِ خَودَ نَمَى دَانَنَدَ.<sup>۱</sup>

به همین جهت ملاحظه می کنیم امیرمومنان (ع) هنگامی که در جنگ صفين شنید جمعی از اصحاب، معاویه و پیروان او را دشنام می دهنده فرمود: «من دوست ندارم که شما فحاش باشید لکن اگر شما بجای دشنام اعمال و احوال آن ها را ذکر کنید به حق نزدیکتر و برای اتمام حجت بهتر است.»<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>- عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۸

<sup>۲</sup>- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

## **نتیجه گیری:**

ناسزاگویی در قرآن و روایات مورد مذمت قرار گرفته است و پیامدهای گوناگونی را در پی دارد. یکی از زشت ترین آفات زبان، بدبانی بوده که منشا آن رذالت نفسانی است و مورد نهی و نکوهش فراوان قرار گرفته است. چون زبان دریچه روح انسان محسوب می‌شود. فحش دادن بسیار مورد نکوهش آیات و روایات است. خداوند هم دشنام را بد می‌نمد و هم کسی که اهل دشنام دادن و دشنام شنیدن است. آدمی با آگاه بودن از پیامدهای ناسزاگویی از آن دوری می‌کند. نتایج حاصل شده از این مقاله پیامدهای دنیوی و اخروی ناسزاگویی، درمان بدبانی، بارزترین مصدق زبانی و علت‌های عمدۀ ناسزاگویی می‌باشد.

**منابع:**

❖ قرآن کریم.

❖ نهج البلاغه.

١. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲، ۵، ش.
٢. تهرانی، مجتبی، **اخلاق البهی**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷، ۵، ش.
٣. حسنی، حمید، محمدی، محمد و طباطبایی محمد، **منتخب میزان الحكمه**، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴، ۵، ش.
٤. ری شهری، محمد، فرزانگان، حسین، **میزان الحكمه**، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۱.
٥. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران: روزنہ موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ۵، ش.
٦. عاملی، محمدبن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۳، ۵، ش.
٧. قمی، محمد بن علی، **علل الشرایع**، قم، مکتب الحیدریه، ۱۳۸۵، ۵، ش.
٨. کاشانی، محسن، **ترجمه المحجه ایضاً فی تهذیب الاحیاء**، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۹، ۵، ش.
٩. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: دارالمتكلمين، ۱۳۹۱، ۵، ش.
١٠. لایقی، غلامرضا، **شرح نهج البلاغه**، مترجم: عزالدین ابن ابی الحدید، قم: کتاب نیسان، ۱۳۹۴، ۵، ش.

۱۱. مجلسی، محمد تقی، بهبودی، محمد باقر، بخار الانوار، تهران: اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۷

.۵، ش.

9-<https://www.sadeghain.net>

10- <https://www.tebyan.net>

11- <https://www.porseman.com>

12- <https://www.hawzah.net>

13-<https://www.vajehyab.com>